

مدنیت

(۲)

اقتباس از آثار برفیسور رابن سن امریکائی

بیشرفت محافظه کاری :

این است استعداد اصلی و قابلیت مدنی انسان که ما بنگارش آن در فوق برداختیم. ظاهر است که در آغاز حال انسان به هیچگونه ذریعه مآل اندیشی نداشت و ارتقایش بمدارج عالیای مدنیت ارادی نبود تبدلات بوقلمون حیات او در هزاران سال چنان تدریجی بوده که هیچکس آنرا حس نمی توانست هر کس بطرز حیات اسلاف خود قانع بوده و بدون فکر ترقی زندگانی بسر میبرد چنانچه در ادوار شوکت و حشمت یونان و روم ما بیشتر مساعی انسان از بهر دوام و قوام رواج و رسوم عادات و علومی که از اسلاف بمیراث گرفته بود صرف می شد، فکر از دیاد ترقی و اندیشه ایجاد و اختراع ارادی که اکنون رواج دارد ابداً نداشت قومی که از همه بیشتر بفکر ترقی افتاده راه جد و جهد پیش گرفت مسلمانها بودند که آنها این سلیقه جدید را روی کار آوردند و بجای اینکه او هام و افکار عادات و اطوار متقدمین را منتهای کمال قرار داده و به حفظ و دوام آن اکتفا ورزند، در رفع نواقص ایجاد و تجسس از بهر ترقی مدنیت بشر کوشیدند. اثر این کوشش در قرن ۱۳ به اروپا رسید و طی اکثر علما و دانشمندان تا چندین صدسال دیگر هم جوهر کوه عقلمانی را باین تجسس علمی و فنی ترجیح میدادند و رجوع به علوم و عادات قدما را یکنانه علاج و چاره علل بشریت قرار میدادند. اما در قرن هفده فکر تتبع و استقصا از بهر از دیاد علوم و تطبیق آن در ترقی مدنیت بشر قبول گردید و در آن زمان بطرف سه قرن در طرز حیات بشر تبدلات و ترقیات فوق العاده روداد از خصائص نوع بشر است که مراسم و عادات اسلاف خود را بیشتر طرف اعتماد قرار میدهد

و نجدد را بنظر اشتباه دیده در قبول آن بی نهایت احتیاط و دقت بکار می برد
 ازینجاست که اشخاص ظاهرین که از تعمق در بطون حقایق اشیا بی بهره اند این
 خصیصه قدامت پسندی را مذموم دانسته و پندارند که مانع ترقی است ولی اگر اندک
 تا عمل رود آشکار میگردد که خصیصه قدامت پسندی طوری حافظ شئون بشر بوده
 که تا امر و زحفظ تهذیب و صیانت مدنیت بشر به نیروی او آمده است انسان
 خاصیت دیگری هم دارد که عبارت است از فعالیت و اضطراب و درین سفت
 با مخلوق دیگر اشتراک دارد و در این صفت دائماً در تک و یو بوده هیچگاه
 بر یک حال ثابت نمی ماند و از اینجا که این خاصه برخلاف جود میباشد از قدامت
 پسندی تلافی نموده مصدر تمامی اختراعات و انکشافات میگردد چون انسان طبعاً
 به کاوش و تفحص مائل است بلافاصله در صدد جستجو و امتحان بر آمده و به هر
 چیزی دست میزند خلاصه این میل طبیعی در اثر تزییه و ترکیه به تجزیه و تحلیل
 و تجربه علمی و انکشافات فنی انجامیده.

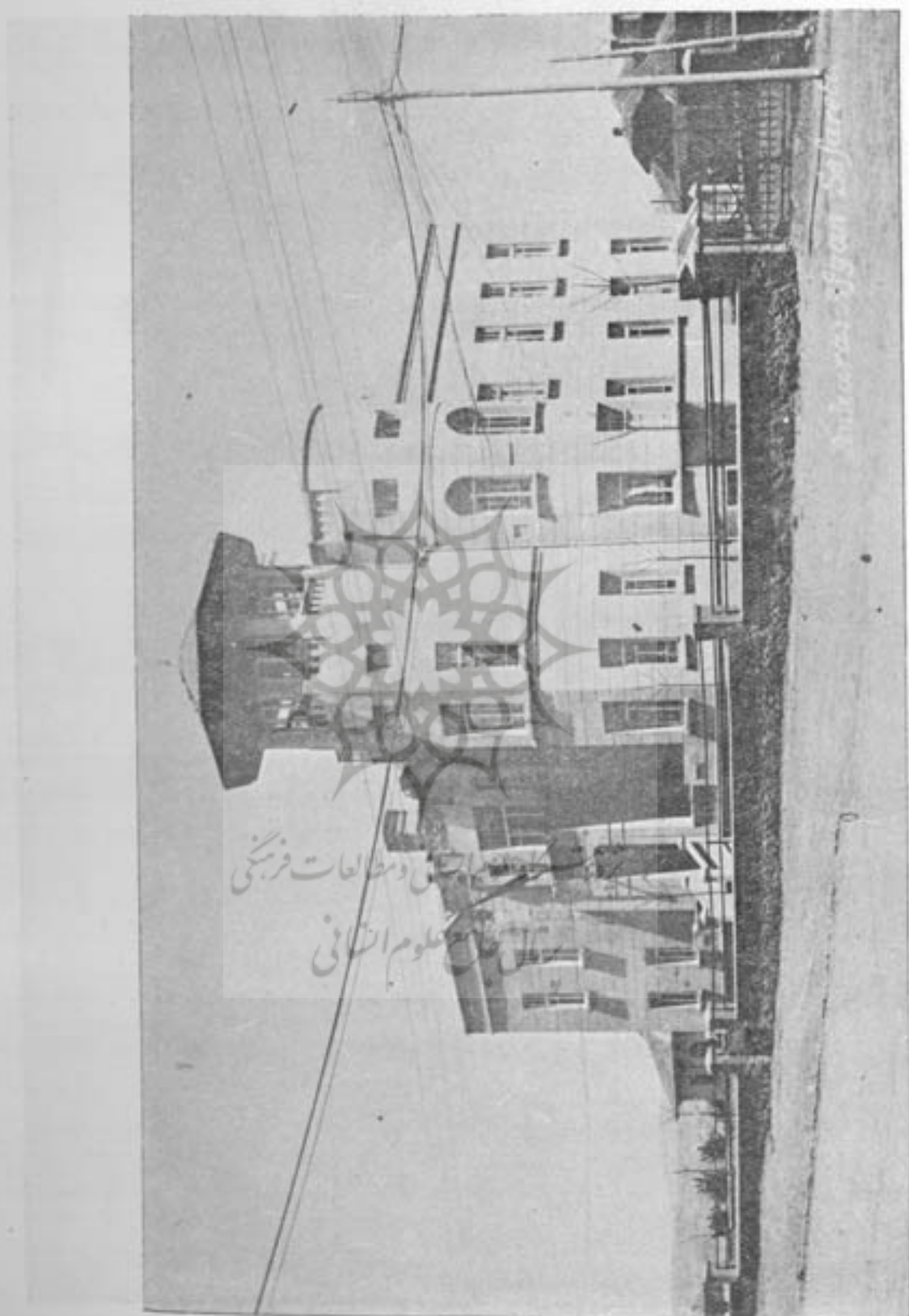
علمای ص که در تاریخ مدنیت تتبع و استقصا دارند میگویند که انسان
 در ابتدا از سنگ چقماق آلات و ادوات میساخته اما بیشتر ازین از صنایع
 و عقاید و رسوم آنوقت اطلاعی در دست نیست فقط اینقدر میگویند که
 که یگانه و اسطه بقاء و سد جوع آنها را حیوانات و بدست آوردن آنها و فوا که
 بوده است و باز مطابق عقیده علمای فوق بعد از دهور اعصار و قرون متمادی
 بشر قدم بمرحله دوم گذاشته امور مقدماتی زرع و نسج را بیاوخت چنانچه
 آلات و ادوات سنگی تراش داده جلادار با تصاویر مغارها را از آثار همان
 قرن میدانند، بعد ازین انسان شروع با ساختن آلات مسین نموده مسکن و بناها
 را از گل و سنگ طرح ریخت و وقتی که دایره معلومات و ایجادات او وسیع

گردید امور مدنیت را بیشتر کسب و بصورت مجموعی و سایل آن را بکار برد چنانکه نخست با فروختن آتش راه یافت از آن بپس ساخت آلات و ادوات پی برد طرح زرع و تعمیر ریخت رشت و بافت را بلدو دوخت و برید را آشنا گشت تا بالاخره بکشف فلز موفق آمد از آنجا که ارتقای مدنیت بدو چیز مربوط و منحصر بوده یکی ایجاد و انکشاف و از دیاد معلومات و دیگری تاثیر این امور نشه بر حیات و افکار و عواطف بشر پس معرفت طریق ایجاد و انکشاف حفظ و نشر علم و هنر کیف تاثیر آن بر حیات بشر در دانستن این موضوع دارای اهمیت زیادی است و ازینجهت ما بتعریف هر يك در ذیل می پردازیم .

از بیانات موجودین و مخترعین راجع درین زمینه چنان بر می آید که در همه این رجال قوه (تفحص طبیعی) بدرجه فوق العاده بوده و ثبات را در تلاش حق ضمیمه آن قوه ساخته اند .

هر چند خاصه تعجب و تعجب در اطفال موجود بوده و در هنگام بلوغ کمتر می شود تا رفته رفته بکلی زایل گردد اما در برخی از نوانغ تا آخر عمر دوام می پذیرد و ازین جهت اینگونه اشخاص پیوسته در تردد و تلاش میباشد مگر از اختراع و معلومات سلف استفاده میکنند . اختراع و انکشاف هم اتفاقی و تصادفی است چه همه مخترعین متفق الکمه اند که اختراع چیزی تصادفی و وقوع آن غیر متوقع بوده چنانکه پیش از ظهور آن از نوعیت کشف یا ایجاد خود ابد آسراغی نداشتند اما حقیقت جدید بغتة در دل آنان القا میگردد .

چیزیکه گفتیم بر هر نوع ترقی و معلومات انسانی صادق می آید خواه از قبیل اشیاء حالات و عوامل طبیعی باشد یا از امور دین ، فلسفه و علم و ادب و غیره با وجود این همه آن نتیجه تفحص زیاد تفکر عمیق و بالاخره زاده جد و جهد متوالی میباشد بر علاوه نیروی بخت بهترین عواملی است در مسووقیت



عمارت سفارت کبرای افغانستان در اقمه



يك حصه از عمارت جنرال قونسلگری دولت شاهي افغانستان در تاشکند

باین امور . مثلاً حضرت خلیل صلوات الله علی نبینا و علیه السلام از تلاش بکشف ماهیت اجرام فلکی ناگهات بسرادق عز و جلال معرفت کبریائی عز اسمه راه یافت کوملبس از سعی بدنباله هند بفضای دنیای جدید سر کشید . اما وقوف تام و اطلاع کامل و بالاخره سعی متوالی خلل ناپذیر از امور مبهمه است که وهم تصادف در اختراع نمی توان حریف آن گردید تا نقصانی در اهمیت آن راه یابد .

و چون ساحت بهنای علم بشر و کثرت تنوع مجموع آن امروز از احاطه یک شخص بیرون و نمیتواند بیشتر از یک جز دو جز را گاهی در حوزه درک در آورد پس در اینصورت سعی در راه تحصیل مجموع علوم مانع ترقی است چه در ینحال شخص نه بضبط تمام علوم موفق و نه بطریق کشف تازه نائل میگردد .

اگر چه در برابر علم کنونی بشر معلومات انسان قبل از تاریخ که در قرون مدیده بآن فائز آمده بسیار حقیر و اندک بنظر میآید اما اصلاً اهمیت کشف آتش اسلحه (که از سنگ بد شکل آغاز و مندرجاً در مراتب سنگ صیقلی مس ، روی آهن سیر نموده) عمل زرع و اهلی ساختن حیوانات کار ، رشتن و بافتن ، کشف فلز (از قبیل طلا و نقره و مس و قلعی و سرب و بالاخره آهن) صنعت کد کاری ، نجاری ، کلالی ، حجاری ، درک نجوم ، طب هندسه ، کتابت و تحریر و روی هم رفته کشف سائر مبادی علوم مکتسبه ادوار پیش از تاریخ که بر غلط بزمان وحشت مشهور گشته آنقدر افزون است که در ضبط تحریر نمی آید . زیرا آبای ما از طرفی در تهیه طعام ، لباس ، مسکن که از ضروریات اولی و نخستین سرمایه حیات و بقای بشر است هادی ما گردیدند و از طرفی برای علوم متنوعه حالیه چنان اساس متینی گذاشتند که بدون آن ترقیات کنونی که مایه افتخار بشر بقلم میرود ابدأ صورت پذیر نیست .

(ناتمام)